

**Predigt am Sonntag „Estomihi“, 14.2.2021,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

Jesaja 58,1-9a:

اشعیا ۵۸ آیات ۱ الی ۹

۱ آواز خود را بلند کن و دریغ مدار و آواز خود را مثل کَرْنَا بلند کرده، به قوم من تقصیر ایشان را و به خاندان یعقوب گناهان ایشان را اعلام نما.

۲ و ایشان هر روز مرا می‌طلبند و از دانستن طریق‌های من مسرور می‌باشند. مثل امتی که عدالت را بجا آورده، حکم خدای خود را ترك ننمودند. احکام عدالت را از من سؤال نموده، از تقرب جستن به خدا مسرور می‌شوند

۳ (و می‌گویند): چرا روزه داشتیم و ندیدی و جانهای خویش را رنجانیدیم و ندانستی. اینک شما در روز روزه خویش خوشی خود را می‌یابید و بر عمله‌های خود ظلم می‌نمایید.

۴ اینک به جهت نزاع و مخاصمه روزه می‌گیرید و به لطمه شرارت می‌زنید. امروز روزه نمی‌گیرید که آواز خود را در اعلیٰ علین بشنوانید.

۵ آیا روزه‌ای که من می‌پسندم مثل این است، روزی که آدمی جان خود را برنجاند و سر خود را مثل نی خم ساخته، پلاس و خاکستر زیر خود بگستراند؟ آیا این را روزه و روز مقبول خداوند می‌خوانی؟

۶ مگر روزه‌ای که من می‌پسندم این نیست که بندهای شرارت را بگشایید و گره‌های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و هر یوغ را بشکنید؟

۷ مگر این نیست که نان خود را به گرسنگان تقسیم نمایی و فقیران رانده شده را به خانه خود بیاوری و چون برهنه را ببینی او را بپوشانی و خود را از آنانی که از گوشت تو می‌باشند مخفی نسازی؟

۸ آنگاه نور تو مثل فجر طالع خواهد شد و صحت تو بزودی خواهد رویید و عدالت تو پیش تو خواهد خرامید و جلال خداوند ساقه تو خواهد بود.

۹ آنگاه دعا خواهی کرد و خداوند تو را اجابت خواهد فرمود و استغاثه خواهی نمود و او خواهد گفت که اینک حاضر هستم. اگر یوغ و اشاره کردن به انگشت و گفتن ناحق را از میان خود دور کنی

اعضای گرامی ، "راهنمای شوربختی " - این کتابی فوق العاده از روانشناس اتریشی پاول واتزلوویک است. تاکید نویسنده در کتاب این است که آدمی پیش از گله کردن از بخت و اقبال، اندکی به چگونگی رفتار خود بیندیشد تا دریابد که بیشتر ناراحتی‌های او از خود وی سرچشمه می‌گیرد و از این رو هر آدمی در شوربخت کردن خویش نقش بزرگی دارد. اگر آدمی این نگرش را انتخاب کند که دنیا باید آن گونه که او می‌گوید باشد و "چگونه هست" را کنار بگذارد به یقین در مسیر سقوط و شوربختی گام برداشته است. - گرچه واتزلوویک مطمئناً فقط آینه ای جلوی چشمان ما نگه می‌دارد تا ما را از آنچه در این کتاب به آن اشاره کرده ، محافظت کند. کلام خدا که ما از اشعیای نبی شنیدیم همچنین در مورد افراد ناراضی ، افرادی که تقریباً به طور سیستماتیک توانسته بودند ، از خود یک فرد ناراضی بسازند ، هدف دارد. آنها با روشی بسیار پرهیزکارانه موفق شده بودند که واقعاً خودشان را ناراضی کنند: فقط چند سال بود که آنها از تبعید خود در بابل به اورشلیم بازگشته بودند. شرایط بیرونی که در آن زندگی می‌کردند واقعاً رضایت بخش نبود: آنها در شهری ویران زندگی می‌کردند. آنها در ویرانه ها اسکان موقت داده بودند. معبد هنوز بازسازی نشده بود و

به نظر می رسد همه چیز در سکون و بی حرکت می باشد . بنابراین کسانی که با جدیت فراوان روزهای روزه داری را جشن می گرفتند ، روزهایی که در آن محاصره و ویرانی اورشلیم را گرامی می داشتند ، روزهایی که شخص خود را شکنجه می کرد تا به خدا نشان دهد که چه گناهکاری بزرگ بوده و همین طور هم خوار و ذلیل ، روزهایی که تصور می شد خدا هرگز تحت تاثیر این سختیها و مرارت ها قرار نخواهد گرفت . با این وجود ساکنان اورشلیم می توانستند هر طور که می خواهند روزه بگیرند: ولی اتفاقی نیفتاد. و بنابراین آنها با ناامیدی کامل از خدا پرسیدند: چرا روزه می گیریم و تو به آن نگاه نمی کنی؟ چرا ما بدن خود را تنبیه می کنیم و تو نمی خواهی بدانی؟ و حالا خدا از طریق پیامبرش پاسخ می دهد. اما او این کار را مانند پل و اتزلاویک انجام نمی دهد. او شنوندگان خود را ، از طریق قفسه سینه ، به چشم هدایت نمی کند تا آنها تشخیص دهند که چرا آنها اینقدر ناراضی هستند و چرا آنها خود را ناراضی می کنند ، او به زبان ساده صحبت می کند. وی مواردی را نام برد که باعث ناراضی مردم اورشلیم شده است . اما هدفی که خدا می خواهد با این کلمات به آن برسد دقیقاً همان هدفی است که پل و اتزلاویک با کتاب خود دنبال می کند: او می خواهد زخمهایی را که مخاطبان پیامبر از آن بسیار رنج برده اند التیام بخشد ، می خواهد این شفافخشی به سرعت پیش رود ، می خواهد زندگی آنها منجر به زندگی موفق که با اراده او مطابقت داشته باشد، شود . علاوه بر این ، خدا در اینجا نوازش نمی کند ، اما کاملاً واضح می شود. او مواردی را بیان می کند که برای شنوندگان و همچنین برای این عصر بسیار تحریک کننده بوده و هستند و همچنین در نظر گرفتن آنها برای ما بسیار سودمند است. او آن زمان و همچنین امروز برای ما سه چیز را روشن کرد: (۱) سوءاستفاده از خدا را متوقف کنید! (۲) از حلقه زدن دور یکدیگر منصرف شوید! (۳) به آنچه همسایه شما نیاز دارد گوش دهید!" به خدا ایمان بیاورید و خوشبخت خواهید شد!" - نادرست بودن این شعار بهترین نمونه مردم اورشلیم در دوره پس از تبعید بود و هست. مطمئناً آنها به خدا ایمان داشتند ، البته متدین بودند و اینکه: "آنها هر روز به دنبال من می گردند و دوست دارند راههای من را بدانند"، بنابراین خداوند در اینجا توضیح می دهد. این بدان معناست که: شما هر روز به خدمت پرستش می آیید ، هر روز به حرف من گوش می دهید ، در مورد ایمان به من بسیار جدی هستید. و با این حال آنها دارای قلبهایی شکسته هستند و خواهند ماند. چرا؟ زیرا آنها فکر می کنند که می توانند مطابق خواسته های خود از خدا سوءاستفاده کنند: اگر وقتی روزه می گیریم با تقوا زندگی می کنیم ، پس خدا باید پاسخ دهد ، پس باید مداخله کند و ما را خوب پیش ببرد. و اکنون خداوند به شما اجازه می دهد کاملاً واضح احساس کنید که این درست نیست. خدا لازم نیست کاری انجام دهد ، او مجبور نیست که به رفتار بنی اسرائیل به طریقی خاص واکنش نشان دهد. چه چیزهایی باید بتوانند به او نشان دهند که بتوانند تحت تاثیر او قرار بگیرند؟ اما خدا نمی تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد ، نمی توان با او این چنین برخورد کرد. او اکیداً اجازه نمی دهد رابطه اش با افراد بر اساس عملکرد و ملاحظه تعیین شود. این نگرش امروز در درون ما انسانها نیز وجود دارد. ما هنوز فکر می کنیم که رفتار ما می تواند خدا را ملزم به رفتار خاصی با ما کند. اگر من همیشه خوب و شایسته زندگی کرده ام ، پس خدا باید به من پاداش دهد ، پس او باید اجازه دهد من در زمین خوب پیش بروم و به همین دلیل مجبور است من را زودتر به بهشت بفرستد. و وقتی حالم خوب نیست ، از خودم می پرسم که چه نوع بدی کرده ام ، چرا خدا الان مرا مجازات می کند ، چرا اکنون، وضع ، برای من از دیگران بدتر است که به هیچ وجه ، آنها به اندازه من افراد خوبی نیستند. اما خداوند اجازه نمی دهد که خودش برای تأمین خواسته های ما توسط ما به عنوان کارگزار مورد استفاده قرار گیرد. او فقط وقتی دستانش را روی سرش می کوبد که می بیند فکر می کنیم می توانیم او را درگیر یک معامله کنیم. و سپس حتی گروههای مخصوصاً وارسته ای وجود دارند که ادعا می کنند: اگر نتیجه نگرفتید ، که خداوند خواسته های شما را برآورده کرد ، فقط به این دلیل است که شما به اندازه کافی ایمان نیاورده اید. اگر بیماری شما درمان نشده است ، اگر نمی توانید شغلی پیدا کنید ، اگر اوضاع ازدواج شما بهتر نمی شود ، به این دلیل است که ایمان شما بسیار کم است. شما فقط باید محکم تر باور کنید و به آنچه می خواهید می رسید! چه فرضی است که فکر کنیم می توان با خدای زنده سر و کار داشت! اما خداوند اجازه نمی دهد حتی با کارهای خداپسندانه او را مجبور کنید. او اجازه داد ساکنان اورشلیم در آن زمان حاضر شوند - دقیقاً نه به این دلیل که او یک سادیسمی بود که به ناامیدی و رنج مردم روی می آورد ، بلکه دقیقاً به این

دلیل که او می خواست یک رابطه موفق بین خود و ما انسانها داشته باشد. اما این فقط پیش فرض این است که ما دیگر نمی خواهیم از خدا سوءاستفاده کنیم و به جای آن تشخیص خواهیم داد که خدا مدتها قبل از اینکه بخواهیم تحت تأثیر او قرار بگیریم برای ما معنی خوبی دارد. بله، خدا وقتی می بیند مردم او را از خود ناراضی می کنند دستهایش را روی سر می زند. آنها این کار را به همین سادگی انجام می دهند: آنها فقط باید درک کنند چه چیزی او مدتها پیش برای مردمش انجام داده است. آنها فقط باید درک کنند که خدا با آنها در جایی که آنها نمی توانند بلافاصله آن را تشخیص داده و درک کنند، معنای خوبی به همراه دارد. شما فقط باید این درک را از او به عنوان اینکه، او یک شریک جهت مذاکره است را متوقف کنید و در عوض او را به عنوان پدری دوست داشتنی که به برقراری ارتباط با مردمش اهمیت می دهد و زندگی مردم را در جهت سالم و غنی تحقق بخشیده است، بشناسید. و یک زندگی همچنین می تواند ایمن و غنی باشد و تحقق یابد وقتی بعضی چیزها خیلی متفاوت از آنچه تصور می کنیم و برای خود آرزو می کنیم پیش برود. دیتزیش بونهوفر یک سال قبل از اعدام در سلول زندان خود نوشت: "با وجود بسیاری از آرزوهای برآورده نشده زندگی کاملی وجود دارد." خدا دوست ندارد به ما سلامتی مطلوب، شغل مطلوب، همسر مطلوب، راه حل مطلوب بدهد. اما او می خواهد ما کشف کنیم که چه کسی هستیم و فرزندان محبوب اویم، هر اتفاقی که در زندگی ما بیفتد. او می خواهد ما حضور او را بخصوص در همه سختی ها و در تمام رنج های زندگی خود درک و تشخیص دهیم. علاوه بر این، او اجازه داد پسرش برای ما بر روی صلیب بمیرد، به طوری که ما همیشه در ذهن داشته باشیم که او مدتها قبل از اینکه ما به هر طریقی از او سوءاستفاده کنیم، ما را دوست داشته است. دست از دور خود چرخیدن بردارید! - این دومین توصیه خوبی است که خداوند در اینجا از طریق اشعیا به ما می دهد. کسانی که امروز می خواهند از زندگی خود بهترین نتیجه را بگیرند مجبورند مرتباً خود را از نو کشف کنند و بارها و بارها خود را بهینه کنند. فرد نباید با چیزهای تکراری خود را درگیر کند، اما باید همیشه برای تغییر آماده باشد. خود را تحقق بخشید، رویاهای خود را زندگی کنید. این حداکثر زمان ماست. رژیم غذایی خود را تغییر می دهیم، به باشگاه می رویم و قرص ها، پمادها و پودرهایی می خریم تا متناسب تر، جذاب تر و سالم تر شویم. برای برخی، این به معنای خروج از جامعه ای است که در آن زندگی می کنند و ترک همسر و فرزندان خود به طوری که آنها می خواهند فقط برای خودشان زندگی کنند. اما کسانی که فقط برای به دست آوردن بهترین نتیجه زندگی برای خودشان بیرون رفته اند، واقعاً فقط به دور خودشان می چرخند، از طرف دیگر، افراد اطراف آنها بی اهمیت هستند. آنها فقط در تحقق چنین درکی از تحقق رویاهای خود دخالت می کنند. و این دقیقاً همان چیزی است که خداوند در اینجا از طریق اشعیا درباره رفتار ساکنان اورشلیم بسیار انتقاد می کند: آنها آماده هستند تا همه فداکاری های ممکن را انجام دهند. آنها مانند قهرمانان جهان خود را شکنجه و بدزبانی می کنند و روزه می گیرند. اما آنها به افراد اطراف خود اهمیتی نمی دهند. مردم به مراسم کلیسا می روند و سپس دستمزد گرسنگی را به کارگران خود می پردازند. شما به شدت روزه می گیرید و فقط برای انجام معامله ای باطل، مختصر روزه می گیرید. شما وارد گونی و خاکستر می شوید و رفتارهای مقابله آمیز می کنید، اما از استفاده از مشقت خود برای رسیدن به راه خود دریغ نمی کنید. بنابراین پرستش از یک فرقه به خود فرد تبدیل می شود. کسانی که روزه می گیرند، به دنبال تحقق خواست خدا نیستند، بلکه به دنبال سود خود هستند. اما خداوند از طریق پیامبرش روشن می سازد: هیچ کس تحقق زندگی خود را در آن پیدا نمی کند و به این دلیل که او به هزینه دیگران زندگی می کند. هیچ کس تحقق زندگی خود را در آن پیدا نمی کند و از طریق این واقعیت که او فقط روی خودش تمرکز می کند. شکار مطلوب در زندگی فرد همیشه شکار سراب و باطل است: اگر فکر می کنید به هدف رسیده اید، در هوای سست و ناپایدار این سراب ناپدید می شود. دقیقاً برعکس این درست است، همانطور که عیسی در انجیل به ما اشاره کرد: «کسی که بخواهد زندگی خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد. و هر که جان خود را به خاطر من و به خاطر انجیل از دست بدهد، آن را حفظ خواهد کرد». جایی که ما برخلاف این سخنان عیسی زندگی کنیم، هیچ درمانی در زندگی ما اتفاق نمی افتد، در زندگی ما نوری وجود ندارد. سخنان او در اشعیا این را روشن می کند. و با این اوصاف ما در حال جایگزینی عالی هستیم که خداوند در اینجا نامگذاری می کند و نوید یک زندگی موفق، تحقق یافته و کامل را می دهد: به آنچه همسایه شما نیاز دارد

گوش دهید! هدف این نیست که خدا را مورد لطف خود قرار دهم و عشق او را نسبت به خودم از طریق کارهایم ، از طریق کارهای پرهیزکارانه ام دریافت کنم. عشق او مقدم بر هر کاری است که من انجام می دهم. من دیگر نیازی به تمرکز بر این ندارم که از زندگی ام بهترین نتیجه را بگیرم. این بدان معناست که من هر دو دست ، چشم و گوشم را برای درک نیاز همسایه آزاد و رها می گذارم . و این دقیقاً همان جایی است که زندگی من تقدس می یابد ، دقیقاً این تحقق زندگی من است ، که من حول خواسته های خودم نمی چرخم ، بلکه در عوض به نیازهای افرادی روی می آورم که خدا به من اجازه می دهد تا در زندگی ام گام بردارم. ممکن است این مراقبتها و توجهات کاملاً عملی باشد ، شخصی را که گرسنه است سیراب کنم، در شرایط اضطراری بسیار حاد به او کمک کنم. اما آنچه پیامبر در اینجا توصیف می کند فراتر می رود: این در مورد ما است که یاد می گیریم هر شخصی را که می بینیم ، با گوشت و خون خود ملاقات می کنیم ، به عنوان موجودات دیگر خود در نظر بگیریم که روی آن ها کار کنیم ، تعصب یا حتی نفرت از آنها را کنار بگذاریم ، حتی نسبت به افرادی که با ما غریبه هستند ، متفاوت از ما هستند ، حتی درگیر سخنان احمقانه و شعارهای کسل کننده ای که دیگران را تحقیر می کنند هستند . بنابراین آنها را از گوشت و خون خود بدانیم . "از گوشت و خون خود مخفی نسازید" (آیه ۷). روی خود را برنتابید ، قلب خود را به آنها نزدیک کنید! از گوشت و خون خود آنان را دور مسازید - این همیشه لازم نیست که حول و محور پول باشد ، البته که همیشه نباید اقدامات بزرگی باشد. چه تعداد از مردمی هستند که فقط منتظر شنیدن یک حرف خوب و دوست داشتنی و محبت آمیز از طرف شما هستند ، شاید فقط آنها این انتظار را داشته باشند که شما کمی برای آنها وقت بگذارید ، به آنها سر بزنید و به آنها نزدیک شوید ، شاید آنها خودشان نمی توانند این کار را انجام دهند . اعضای گرامی ، روزه بزرگ چهارشنبه آینده ، *چهارشنبه خاکستر آغاز می شود. روزه گرفتن در واقع یک تمرین خوب و معنی دار است. این می تواند انواع مختلفی داشته باشد: این می تواند شامل کم خوردن باشد ، که می تواند فواید جانبی بسیار مفیدی برای برخی از افراد ، از جمله من داشته باشد. این می تواند کنار گذاشتن عادت هایی همچون ، شیرینی ها ، تلویزیون ، بازی های رایانه ای ، نوشیدن الکل و موارد دیگر باشد. این انصراف از انجام بعضی کارها می تواند به ما کمک کند تا درک کنیم که آیا ما واقعاً انسانهای آزاده ای هستیم یا اینکه معتاد هستیم و خودمان را در بند و گرفتار می کنیم. اما این روزه هرگز نباید به خودی خود به یک مقصود و هدف تبدیل شود ، نه تنها باید در خدمت بهینه سازی خود شخص باشد. بلکه ، این باید به ما کمک کند تا آزادانه در گوش دادن به کلام خدا ، گوش دادن به آنچه خدا برای ما از طریق رنج و مرگ پسر خود عیسی مسیح انجام داده است ، به پیام عشق بی نهایت او به ما که اعلام خواهد شد گوش دهیم. در هفته های آینده به ما و این کلام خدا سپس نگاه ما را به همسایه خود معطوف می کند. نمی خواهد به ما اجازه دهد فقط در روابط شخصی خود با خدا دوام بیاوریم. در عوض ، ما همچنین می توانیم با استفاده از وقت گذرانی روزه ، از افرادی که از محدودیت های تماس رنج می برند یادی کنیم و یا در صورت امکان ، به آنها مراجعه کنیم یا با افرادی که به راحتی قادر به انجام اولین قدم به سمت ما نیستند ، به آنها مراجعه کنیم. با همه اینها ما بهشت را به دست نمی آوریم - حتی دیگر به آن نیازی نداریم . اما همه اینها می تواند به ما در رسیدن به یک زندگی کامل کمک کند ، به یک زندگی که دقیقاً به این دلیل که ما از حصار خود بیرون آمده و روشنایی به آن بخشیده ایم ، به زندگی ای که خدا ، خالق ما ، از آن خوشنود است زیرا از اینکه برای ما تصور می کرد خوشحال می شود. و به همین دلیل است که او امروز صبح این راهنمای بسیار ویژه برای سعادت را به ما داد. آمین

چهارشنبه خاکستر Ash Wednesday

اولین روز شروع ایام انابت به نام چهارشنبه خاکستر شناخته می شود؛ بطور رسمی نام این روز "روز خاکستر" است اما از آن جهت که ایام انابت همواره با روز چهارشنبه آغاز می شود بنام "چهارشنبه خاکستر" معروف شده است. قبلا این روز صرفاً توسط کلیساهای کاتولیک برگزار می شد. اما امروز تقریباً اکثر مسیحیان به برگزاری این روز اقدام می کنند، زیرا همه ایمانداران نیاز به توبه دارند.